



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی فعالیت های فرهنگی در عصر انقلاب اسلامی

علی علویان^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی، رشته تاریخ انقلاب اسلامی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی فعالیت های فرهنگی در عصر انقلاب اسلامی انجام شد. فرهنگ به معنای مجموعه باورها و ارزشهای پذیرفته شده اساس رفتار فرد و جامعه را شکل می دهد و بسیاری از اعمال و فعالیت های افراد بیش از آنکه بر پایه حسابگری و استدلال صورت پذیرد، براساس باورهای فرهنگی انجام می پذیرد. در این دوره، فرهنگ و هنر به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل تحولات اجتماعی و سیاسی در کشور مطرح بود. با وجود تحریم های بین المللی و اقتصادی، فعالان فرهنگی و هنری در ایران توانستند با ایده های خلاقانه و نوآورانه خود، به نمایش گذاشتند. برخی از این فعالیت ها شامل تأسیس کتابخانه ها، نشر کتاب ها و مجلات، برگزاری نمایشگاه های هنری و موزه ها، تأسیس دانشگاه های جدید و توسعه آموزش عالی، برگزاری جشنواره های فرهنگی و هنری، تأسیس سینما ها و تولید فیلم های مستند و بلند مدت، و غیره است. با توجه به اینکه فرهنگ و هنر در دوران انقلاب اسلامی برای اولین بار به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل تحولات اجتماعی و سیاسی در کشور مطرح شد، بررسی این فعالیت ها می تواند به درک بهتری از تأثیرات انقلاب بر فرهنگ و هنر در ایران کمک کند. این پژوهش به شیوه مروری و با استفاده از داده های کتابخانه ای صورت پذیرفت. نتایج نشان داد بسترسازی مناسب فرهنگی و استقرار مدیریت صحیح در بخش های مختلف جامعه برای شکوفایی استعداد های انسانی و الهی افراد جامعه می تواند در راستای عدالت تعریف و ارتقاء کیفیت زندگی ارزیابی گردد.

کلمات کلیدی: انقلاب اسلامی، تاریخ، فعالیت فرهنگی، جهان اسلام



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) مردم ایران واقعه‌ای غیرمنتظره بود که با طی کردن مسیری متفاوت و خارج از الگوهای متداول و رایج انقلابهای جهان، نظریات علمی مربوط به انقلابها را به چالش کشید (صفرپناهی: ۱۳۸۵، ۲۱). در حالیکه کمونیسم شرقی و لیبرالیسم در غرب جهان را به سمت سکولار شدن بیشتر رهنمون می‌کردند، جهانیان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران شاهد عکس این روند و افزایش توجه به دین شدند و با طرح دیدگاه‌های تازه برای مفاهیمی چون؛ ایمان، آزادی، عدالت، صلحت، حق، قدرت، جهاد، صلح و امنیت، و... رویکردهای نوینی پیش‌روی جوامع گشوده شد. (محرمی: ۱۳۹۷، ۶۶) انقلاب اسلامی به دلیل ویژگی‌های معنویت‌گرایی و عدالت‌گرایی خود روابط سلطه‌آمیز و ناعادلانه موجود کشورهای قدرتمند و استعمارگر را بر کشورهای ضعیف مورد نقد و نفی قرار داد، و نگرش دنیامحورانه و مادی‌گرایانه حاکم بر نظام بین‌الملل را به مبارزه طلبید و عناصر جدید غیرمادی را به عنوان چارچوب جدید نظام بین‌الملل مطرح نمود (ملکوتیان: ۱۳۸۸، ۲۰). این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که انقلاب اسلامی در کشوری به وقوع پیوست که مردمش ذاتاً از فرهنگ و قدمت تاریخی باشکوه ایرانی بودن و تعلق خاطر به سرزمینی مشخص با پیشینه و قدمت معین، را می‌توان از مهمترین عناصر هویتی ایرانیان برشمرد.

از سویی دیگر هم زمان با روند انقلاب اسلامی، در فرایند صنعتی شدن و پیشرفت فناوری، بُعد کمی زندگی، بیشتر مدنظر قرار داده شده و جنبه‌های کیفی زندگی انسان، «کیفیت زندگی» یکی از موضوعات مهمی بوده است که مورد غفلت قرار گرفته است (مختاری و نظری: ۱۳۸۹، ۱۳) و طی دو دهه گذشته، به مفهومی چند بُعدی ارتقاء یافته و در حوزه‌های مطالعاتی دیگر نیز مورد توجه زیادی قرار گرفته است و در سال‌های اخیر، کیفیت زندگی را به عنوان عنصری کلیدی در سیاستگذاری و بررسی سیاست‌های حوزه عمومی مورد بحث قرار داده و از آن به عنوان شاخص توسعه نام می‌برند (غفاری، کریمی و نوذری: ۱۳۹۱، ۱۰۸). توجه به موضوع «کیفیت زندگی» از آنجا نشأت گرفته است که انسان امروزی متناسب با پیشرفت‌های مادی و افزایش رفاه و آسایش در زندگی خود از رضایتمندی کافی برخوردار نمی‌باشد و جنبه‌های معنوی، احساس برابری، محرومیت و تبعیض، با دیگر ابعاد زندگی بشری درگیر شده است در این بین فعالیت‌های فرهنگی با هدف زمینه‌سازی برای بسط و گسترش ارزش و فضیلت عدالت، می‌تواند در رفع احساس ناکامی‌های ناشی از سیاست‌های اقتصادی نقش ایفا نماید. دین اسلام نیز به بسترسازی برای تحقق عدالت، تعالی بشر و نهایتاً رسیدن به حیات طیبه اهمیت خاصی به آن قائل شده و برقراری عدالت را از شروط اساسی تأسیس جامعه مطلوب دانسته است. قرآن کریم برقراری عدل در میان انسان‌ها را از اهداف اصلی بعثت پیامبران ذکر کرده و آن را شرط بقاء و دوام جوامع می‌داند و می‌فرماید؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (آیه ۲۵ سوره حدید).

با وجود گذشتن چند دهه از آغاز مباحث ارتقاء کیفیت زندگی و تنگناهای آن، یکی از علت‌های مهم حفظ تازگی بحث درباره «کیفیت زندگی» در جامعه ما این است که؛ جامعه ما هنوز در شرایط و وضعیت یک جامعه در مسیر توسعه و در حال پیشرفت است و همچنان نخبگان فکری، اجتماعی و سیاستگذاران شناخت کافی در زمینه «کیفیت زندگی» و ابعاد گوناگون آن ندارند. در برنامه‌های توسعه‌ای اثری از چگونگی اجرای فرآیند و تحقق آن بطور جامع و منسجم مشاهده نمی‌شود بطوریکه با اتمام جنگ هشت ساله با مهاجم عراقی، در دولت هاشمی رفسنجانی، با تمرکز و تقویت دولت، سیاست ارشادی کنار گذاشته می‌شود و دولت به ایجاد زیربنای اقتصادی و صنعتی شدن تغییر جهت می‌دهد. از طرفی دیگر برغم ماهیت مردمی بودن و ثقل بالای باورهای فرهنگی در گفتمان انقلاب اسلامی که اجرا، ساماندهی و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی در جهت اهداف و آرمان‌های حاکمیت را از وظایف دولت‌ها دانسته است، ساختار و عملکرد دولت‌های بعدی، ماهیت توسعه‌گرایی صرفاً اقتصادی خود را حفظ می‌کنند و به توسعه فرهنگی بهایی داده نمی‌شود و به جنبه سخت افزاری و ظواهر تجدد توجه می‌گردد. به بیان دیگر، برنامه‌ریزان «بُعد فرهنگی»، «عدالت» و «کیفیت زندگی» را در برنامه‌های توسعه‌ای بویژه برنامه‌های پنج ساله از یاد بردند و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

عدم تحقق اهداف و آرمان انقلاب اسلامی و بهاء ندادن به خواست‌های طبقات اجتماعی، جامعه ایران را با انباشت مطالبات عدالت خواهانه برای ارتقاء کیفیت زندگی مواجه ساخت و با اینکه دولتهای پس از جنگ به نوسازی اقتصادی و صنعتی ایران کمک کردند، اما برای توسعه و گسترش عدالت و ارتقاء نظام مند کیفیت زندگی و احساس آن، چندان کاری انجام ندادند. «کیفیت زندگی» موضوع تحقیقات متعددی در سالهای اخیر بوده است و به یافته‌های گوناگونی رسیده‌اند و این مقاله از نگاه عدالت گرایانه که وجوه مشخصه آن بررسی اهمیت عدالت در رضایتمندی افراد از کیفیت زندگی در جامعه با انقلاب اسلامی است، به واکاوی نقش فعالیت فرهنگی هدفمند در ارتقاء کیفیت زندگی پرداخته است. به بیان دیگر این مقاله درصدد تبیین چگونگی فعالیت‌های فرهنگی هدفمند، و بطور خاص بسط و گسترش عدالت و ارتقاء کیفیت زندگی افراد است. بنابراین سؤال مقاله پیش رو این است که: با انقلاب اسلامی فعالیت‌های فرهنگی عدالت محور در ارتقای کیفیت زندگی جامعه چگونه است؟ که با روش تحقیق مقاله، توصیفی - تحلیلی بوده و با شیوه بهره‌برداری از منابع اسناد، کتابخانه‌ای و مراجعه درگاه‌های معتبر علمی و آکادمیک در اینترنت پیگیر پاسخ خواهیم بود.

چارچوب مفهومی

تاریخچه مفهوم کیفیت زندگی

کیفیت زندگی از نظر لغوی به معنی چگونگی زندگی است. این مفهوم سابقه در فلسفه یونان دارد و ارسطو در بحث از شادکامی بدان اشاره کرده است (غفاری، کریمی و نوذری: ۱۳۹۱، ۱۱۰). پیگو عبارت کیفیت زندگی را اولین بار در سال ۱۹۲۰ در کتاب «اقتصاد و رفاه» مورد استفاده قرار داد. آن زمان، نظریه او شکست خورد و بعد از جنگ جهانی دوم، با دو واقعه مهم دوباره موضوع کیفیت زندگی مطرح شد. اولی مربوط به تعریف جدید سازمان بهداشت جهانی از سلامت بود که در این تعریف، سلامت شامل سلامت فیزیکی، روانی و اجتماعی می‌شد. با این تعریف گسترده از سلامت، چگونگی اندازه‌گیری آن مطرح گردید. دومین رخداد مهم بعد از جنگ جهانی دوم آورد، بی‌عدالتی‌های وسیع در جوامع غربی بود که باعث یکسری فعالیت‌های اجتماعی و ابتکارات سیاسی از دهه ۱۹۶۰ به بعد شد. به اعتقاد شوسلر و فیشر، عبارت کیفیت زندگی به صورت خاص، اولین بار در سال ۱۹۶۰ در گزارش کمیسیون ریاست جمهوری درباره اهداف ملی آمریکا مطرح شد (Wood: 1991). گزارشی که بر برنامه‌های اجتماعی مانند آموزش و نیروی انسانی، توسعه اجتماعی و مسکن، سلامتی و رفاه متمرکز بود (Lynda, Diana: 2005) و بئور در سال ۱۹۶۶ با تحقیق در زمینه اثرات ثانویه برنامه‌های مکانی ملی در آمریکا، اولین بار به مقوله کیفیت زندگی به عنوان یک حوزه تحقیقاتی خاص پرداخت (Schuessler, Fisher: 1985). با نگاهی به مفهوم کیفیت زندگی در سه دهه اخیر، می‌توان گفت که در دهه ۸۰؛ مفهوم کیفیت زندگی به عنوان ادراک حسی برساخته اجتماعی و موضوع وحدت‌بخش شناخته می‌شد و در دهه ۹۰، فهم ما از مفهوم و مقیاس کیفیت زندگی نسبت به گذشته بهبود یافت و این درک برای متخصصین کیفیت زندگی حاصل شد که به راستی کیفیت زندگی فراتر از فرد و احساسات اوست و در واقع یک مفهوم ترکیبی است که ابعاد مختلفی را شامل می‌شود. در این دهه، کیفیت زندگی به حد بالایی گسترش یافت و حوزه‌های مختلفی از علم را در بر گرفت و تنها محدود به قلمروهای خاصی نشد (Schalock: 1999). به مرور مفهوم کیفیت زندگی ابعاد بیشتری یافت که مراتب آن را می‌توان به صورت زیر نشان داد:





ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سلسله مراتب ابعاد کیفیت زندگی

گستره مفهومی کیفیت زندگی امروزه؛ مفاهیمی چون «زندگی خوب»، «زندگی با ارزش»، «زندگی رضایت‌بخش» و «زندگی شاد» را در بر گرفته است، و متغیری مرکب شده است که از چندین متغیر دیگر متأثر می‌شود. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کند (قاسمی و نوری: ۱۳۹۵). تعریف کیفیت زندگی توسط سازمان بهداشت جهانی هم؛ به «درک افراد از جایگاه‌شان در زندگی با توجه به بافت فرهنگی و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کنند» ارتقاء یافته است. در این حالت، درک افراد از زندگی در ارتباط با اهداف، انتظارات، ملاک‌ها و عقایدشان می‌باشد. سازمان بهداشت جهانی، مفهوم وسیعی از کیفیت زندگی را مدنظر قرار می‌دهد که این مفهوم تلفیقی از سلامت فیزیکی، وضعیت روان‌شناختی، سطح استقلال، روابط اجتماعی، انتقادات فردی و ارتباط این عوامل با ویژگی‌های محیطی می‌باشد (WHO QoL Group: 1993). مبنای محاسبه میزان کیفیت زندگی شاخص‌های ذهنی و عینی است. شاخص‌های ذهنی، منعکس‌کننده ارزیابی ذهنی افراد از زندگی می‌باشند که با استفاده از جمع‌آوری و تحلیل آماری اطلاعات افراد که وضعیت رفاهی خود را از طریق پرسشنامه‌های مختلف و یا سرشماری‌ها، به دست می‌آید. محاسبات عینی کیفیت زندگی، بر پایه متغیرهای قابل لمس بنیان نهاده می‌شوند. این متغیرها به صورت معمول توسط نهادهای رسمی جمع‌آوری و منتشر می‌شود. حساب‌های اقتصادی، بهداشت، آموزش، آلودگی شهری و سایر اطلاعات کلی، نمونه‌هایی از این‌گونه اطلاعات هستند. هدف روش عینی، بررسی وضعیت جامعه در حالت‌های کلی مانند اقتصاد کلان، وضعیت کلی جامعه و شاخص‌های مربوط به نفوس می‌باشد (باسخا، عاقلی کهنه‌شهری و مسائلی: ۱۳۸۹، ۹۷). البته باید در نظر داشت که با مطرح شدن ابعاد تازه‌ای از عوامل مؤثر در کیفیت زندگی انسان، شاخص‌های جدیدی به موارد فوق افزوده شده و وارد محاسبات مربوط به شاخص کیفیت زندگی شده است (باسخا، عاقلی کهنه‌شهری و مسائلی: ۱۳۸۹، ۹۸). در مطالعه‌ای که واحد اطلاعات اکونومیست (Economist Intelligence Unit: 2005) برای محاسبه شاخص کیفیت زندگی در کشورهای مختلف انجام داده است، شاخص‌های نه‌گانه رفاه مادی، بهداشت، امنیت، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، آب و هوا و جغرافیا، امنیت شغلی، آزادی سیاسی و برابری‌های جنسیتی را به عنوان نمایانگر کیفیت زندگی در نظر می‌گیرد که وضعیت جامعه را به صورت کلان در ابعاد مختلف مد نظر قرار داده و معیار مناسبی برای بررسی کیفیت زندگی به دست می‌دهد. در مجموع طبق روش محاسبه عینی، کیفیت زندگی ممکن است به صورت رابطه متقابل میان چهار مشخصه اساسی فعالیت‌های انسان تعریف گردد؛ این چهار مشخصه عبارتند از: کیفیت جمعیت، رفاه مادی، کیفیت نظام اجتماعی و کیفیت اکوسیستم و محیط زیست (CEMI: 1997).

مفهوم‌شناسی عدالت

سرآغاز اندیشه اجتماعی در غرب به نظریات افلاطون و ارسطو بر می‌گردد. افلاطون برای فضایل اصلی نفس انسان بر اساس تمثیل و مقایسه‌ای که با جامعه دارد، چهار فضیلت حکمت، شجاعت، عفت (یا خویش‌ن‌داری) و عدالت را بیان می‌کند. از نظر ارسطو هم، عدالت فضیلتی است که حد وسط میان دو رذیلت ارتکاب ظلم و تحمل ظلم قرار دارد. عدالت ملکه‌ای است که باعث می‌شود آدمی استعداد به جا آوردن اعمال عادلانه را داشته باشد و عمل عادلانه انجام دهد. در مقابل، ظلم سیرتی است که آدمی را وادار می‌کند در برابر هم‌نوعان خود عمل خلاف عدالت به جا آورد و خواستار بی‌عدالتی باشد (اترک: ۱۳۹۲، ۱۰۳). عدالت در مکاتب و نظریه‌های غربی و شرقی در دهه‌های اخیر بسیار مهم و دال اصلی تلقی شده است؛ در لیبرالیسم، عدالت یعنی هر کس فقط خود مالک زندگی خود است و انسان را مختار در عمل می‌بیند، تا جایی که به آزادی دیگران لطمه نخورد. در سوسیالیسم هم، عدالت به معنی نیل به برابری است؛ یعنی از هر کس بر حسب توانش و به هر کس بر حسب نیازش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می‌بایست از منابع جامعه بهره‌مند باشد. در نظر قراردادگرایان، عدالت، حداکثرسازی سعادت یا رضایت کامل است و در فمینیسم نیز، عدالت، برخورداری زنان از فرصت‌های مشابه در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ذکر شده است (محمدپور و اورعی یزدانی: ۱۳۹۴، ۱۴۳).

واکاوی تطور اندیشه اسلامی هم نشان می‌دهد که مفهوم عدالت معانی مختلفی یافته است. برخی از حکمای اسلامی، معنای افلاطونی عدالت را قائل شده‌اند و برخی دیگر معنای ارسطویی آن را ذکر کرده‌اند، و برخی دیگر دچار خلط معنای افلاطونی و ارسطویی عدالت شده‌اند و آن دو را یکی دانسته‌اند؛ این سینا از جمله حکمایی است که معتقد به خلط معنای افلاطونی و ارسطویی عدالت است، هم معنای افلاطونی عدالت فردی را ذکر می‌کند و هم معنای اجتماعی و ارسطویی آن را می‌آورد که حد وسط میان ظلم و انظلام است. ابوعلی مسکویه، خواجه نصیر طوسی، عضالدین ایجی و عبدالرزاق لاهیجی نیز در بخشی از کلام خود مرتکب خلط معنایی شده‌اند. اما غزالی از جمله حکمایی است که کاملاً به تمایز معنای افلاطونی و ارسطویی عدالت متوجه است و آن را صرفاً به حالت نفسانی و هیئت استعلایی قوه عاقله بر قوای شهوی و غضبی تعریف می‌کند و ردیلت مقابل آن را فقط «جور» قرار می‌دهد. جلال‌الدین دوانی، مهدی نراقی و ملاصدرا نیز ردیلت مقابل عدالت را تنها جور دانسته‌اند. بنابراین برخی از حکمای اسلامی به قاعده اعتدال ارسطو وفادار مانده‌اند و برای عدالت دو طرف قائل شده‌اند، ولی تعریف جدیدی از ظلم و انظلام، غیر از دیدگاه ارسطو برگزیده‌اند. راغب اصفهانی، یکی از این حکماست که هم عدالت را به اجتماع فضایل سه‌گانه حکمت، شجاعت و عفت تعریف می‌کند و هم آن را حد وسط ظلم و انظلام قرار می‌دهد، ولی مرادش از ظلم و انظلام، معنای ارسطویی آن، یعنی برداشتن سهم بیشتر یا کمتر از حق برای خود نیست، بلکه ظلم را معنای کلی «افراط هر یک از قوا» و انظلام را معنای کلی «تفریط هر یک از آنها» تعریف می‌کند که به دلیل همین افراط و تفریط‌های قوا، ردایل خاص نفسانی برای هر یک از قوا پدید می‌آید (اترک: ۱۳۹۲، ۱۰۹). پس به طور کلی، عدالت از آن دست مفاهیمی است که برای شناخت آن بایستی مفهوم مخالف آن، یعنی ظلم و فساد را شناخت؛ و دانست هر آن چیزی که افراد بشر در دنیا به حسب خلقت خودشان و به حسب فعالیت‌هایی که می‌کنند و استعدادهایی که از خود نشان می‌دهند، استحقاق‌هایی پیدا می‌کنند؛ و عدالت بر این مبنا، عبارت است از آن استحقاق و آن حقی است که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود. نقطه مقابل عدالت، ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند (مطهری: ۱۳۷۸).

برخلاف رویکردهای لیبرالی معاصر، مایکل سندل سه رویکرد را درباره عدالت مطرح می‌کند که تقریباً مجموع نظریه‌های مربوط به عدالت (رفاه، آزادی و فضیلت) را در خود جای می‌دهد و معطوف به اجتماع و فرهنگ‌های مختلف است. سندل بر ارزش‌های موجود در اجتماع و زمینه‌های فرهنگی آن تأکید می‌کند و اجتماع را عنصری محوری در صورت‌بندی اخلاقی افراد در نظر می‌گیرد. البته درباره نظریه سندل، باید توجه داشت؛ که عدالت و فضیلت، قابل جدا شدن از یکدیگر نیستند و از این حیث موضعی ارسطویی است. به نظر او تأمل درباره عدالت، لاجرم ما را به تأمل درباره بهترین شیوه زندگی وادار می‌کند و اگر دفاع و استدلال‌هایی که در زمینه تنظیم صحیح یا ناصحیح در عرصه‌های مختلف و از جمله اقتصاد را تحلیل کنیم، به آن پرسش مهم ارسطو باز می‌گردیم که مردم به لحاظ اخلاقی، شایسته چه چیزی هستند؟ و چرا؟ لذا بر این اساس عدالت باید در برگیرنده پرورش فضیلت و خیر عمومی باشد و امری معطوف و مربوط به اجتماع و زمینه‌های فرهنگی است و با رویکردی فردگرایانه نمی‌توان تبیین صحیحی از عدالت به دست داد (توسلی رکن‌آبادی و شجاعیان: ۱۳۹۲، ۱۶۳).

عدالت و اقامه قسط و داد در جامعه یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران است و آنجا که به توحید یا معاد مربوط می‌شود، اساس هستی و آفرینش و نوعی جهان‌بینی است. در نبوت، امامت و رهبری جامعه یک معیار شایستگی است. بلحاظ اخلاقی هم آرمانی انسانی و در اجتماع انسانی یک مسئولیت است (محمدپور و اورعی یزدانی: ۱۳۹۴، ۱۴۳). در اسلام نیز واژه عدالت رعایت تناسب و اعتدال است و هر گاه آنچه که شایسته هر چیزی است، به آن داده شود، عدالت مراعات شده است (نجفی:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۳۹۱). به لحاظ اخلاقی هم، مفهوم عدالت در مقابل ظلم قرار می‌گیرد و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل است و امر متوسط میان تفریط و افراط را می‌گویند. به عبارت دیگر، عدل^۱ یعنی اینکه هر چیز و هر کس با توجه به استعداد، ظرفیت و توانایی‌های ذاتی و اکتسابی خود، در جایگاه شایسته خویش قرار گیرد و اعتدال و استقامت در میل به حق را داشته باشد (محرمی: ۱۳۹۴، ۱۶۷). بنابراین در یک تقسیم‌بندی کلی عدالت به معنای؛ یک. موزون بودن؛ مثلاً مجموعه‌ای که در آن اجزاء و ابعاد مختلف به کار رفته است، باید در آن شرایط معینی از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزاء با یکدیگر مراعات شود. دو. تساوی و نفی هر گونه تبعیض سه. رعایت استحقاق‌ها و عطا کردن به هر ذی‌حقی، یعنی آنچه که استحقاق آن را دارد، را می‌توان ذکر کرد (مطهری: ۱۳۵۳، ۱۶-۱۳). در یک جمع‌بندی به نظر فقها شیعه، عدالت، ملکه‌ای است که موجب تقوا می‌شود (انجام واجبات و ترک محرمات). در علم کلام؛ عدالت، هر چیز را سر جای خود نهادن است که برابر با کار حکیمانه است. از دیدگاه فلاسفه و علمای علم اخلاق نیز فضیلت عدالت نتیجه هماهنگی سه قوه غضبیه، شهویه و ناطقه است.

فارغ از نظریه‌های اسلام شناسان، در قرآن کریم - کتاب مقدس مسلمانان - نسبت به رعایت عدل و انصاف بسیار تاکید شده است. بطوریکه در آیات ذیل از زبان رسول خدا می‌فرماید: "من مأموریت دارم تا در میان شما اجرای عدالت کنم"^۲ و یا "ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسائی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعتی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است"^۳. در این آیه خداوند سبحان ضمن بیان اهداف فرستادن پیامبران آهن و سلاح را (یعنی قدرت نظام را) پشتوانه تنفیذ و اجرای آن قرار داده است. حتی در اجتهاد و استنباط فقها و نیز برداشت‌های آنان از کتاب و سنت و بینش‌هایشان باید در مسیر اقامه قسط و عدالت بین مردم باشد و اگر حکمی یا فتوایی با موازین عدالت قسط همراه نباشد خارج از محدوده هدف بعثت و امامت و فقاقت قرار گرفته است. و یا در آیه‌ای دیگر خداوند رسول (ص) خود را خطاب قرار می‌دهد که؛ "هر گاه حکم کنی پس حکم کن میان ایشان به داد، همانا خداوند دوست دارد دادگران را"^۴، و "بگو پروردگرم امر کرده است به دادگری"^۵. خداوند همواره عدالت را در آیات متعددی از قرآن کریم از شروط ایمان ذکر می‌کند؛ "ای آنانکه ایمان آوردید باشید نگهبانان یا قیام‌کنندگان برای خدا گواهانی به داد و ندارد شما را کین قومی بر آنکه داد نکنید، دادگری کنید که آن نزدیک‌تر است به پرهیزگاری و بترسید خدا را که خدا آگاه است به آنچه انجام می‌دهید"^۶. همچنین؛ "باز ندارد شما را خدا از آنانکه جنگ با شما نکردند در دین و برون نراندند شما را از خانه‌های خویش که نیکی کنید با آنان و از در دادگری با آنان درآئید همانا خدا دوست دارد دادگران را"^۷. قرآن کریم امر به صلح و سازش را هم با عدل و انصاف توصیه می‌کند و می‌فرماید؛ ... و «اگر بازگشت (یکی از متخاصمین) پس آشتی افکنید میان آنان به داد و دادگری کنید که خدا دوست دارد دادگران را»^۸.

قرآن کریم، اجرای عدالت و بسط و گسترش آن را از وظایف مهم پیامبران می‌شمارد. در نظام اسلامی هم، عدالت اساس احکام و قوانین و میزان و معیار تشریح می‌باشد و همه نوع تصمیماتی در حکومت اسلامی باید از منطلق عدل، سرچشمه گرفته باشد.

۱- العدل یضع الامور فی موضعها

۲- فلذلک فادع واستقم كما امرت ولا تتبع اهلک و قل امنتم بما انزل الله من کتاب و امرت لاعادل بینکم الله ربنا وربکم لنا اعمالنا و لکم اعمالکم لا حجه بیننا و بینکم الله یجمع بیننا و لیه المصیر (سوره شوری/ آیه ۱۵)

۳- لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه یاس شدید و منفع للناس و لیعلم الله من ینصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز (سوره حدید / آیه ۲۵)

۴- ... و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله یحب المقسطین (سوره مائده / آیه ۴۲)

۵- قل امر ربی بالقسط (سوره اعراف / آیه ۲۹)

۶- یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجر منکم شأنن قوم علیان الا عدلو اعدلو هوا قرب للفقوی و اتقوا الله خیر بما تعلمون (مائده/ آیه ۸)

۷- لاینهکم الله عن الذین لم یقتلکم فی الدین و لم یخرجکم من دیرکم ان تبرهوا و تقسطوا الیهما، ان الله یحب المقسطین. (سوره ممتحنه/ آیه ۸)

۸- فان فات فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین (سوره حجرات / آیه ۹)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

لذا قرآن کریم به همه مسلمانان دستور می‌دهد که در برپایی عدالت تا می‌توانند همت به خرج دهند: «ای آنانکه ایمان آورده‌اید باشید قیام‌کنندگان به داد (یا نگهدارندگان به داد) گواهانی برای خدا هر چند بر خویشتن یا پدر و مادر و نزدیکان»^۱. که لازمه آن عادل بودن شخص حاکم اسلامی است، بطوریکه در آیات قرآن کریم آمده است؛ «به کسانی که ستم کرده‌اند، متمایل مشوید که آتش (دوزخ) به شما می‌رسد و فرمان افراط‌گران را پیروی نکنید؛ آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند»^۲. یا «از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و کارش زیاده‌روی است، پیروی مکن»^۳. «پس در برابر پروردگارت شکیبایی کن و از آنان گناهکار یا ناسپاسگزار را فرمان میر»^۴. امام حسین (ع) سومین امام شیعیان درباره اهمیت عدالت در اسلام، خطاب به اهل کوفه نسبت به مسأله رهبری می‌نویسد: «پیشوا و امام نیست مگر آن کسی که حکومتش بر پایه قرآن باشد؛ قسط را بر پای دارد، به دین حق پایبند باشد و خود را وقف راه خدا کند» (مفید: ۱۳۸۸، ۱۸۶). یا به فرموده پیامبر اسلام (ص) اساساً؛ «اطاعت کسی که معصیت خداوند را می‌کند (و عدالت ندارد)^۵، لازم نیست» (فیض‌الاسلام اصفهانی: ۱۳۷۹، ۱۱۶۷). علی (ع) هم به خداوند سوگند می‌خورد که؛ من دست ستمکار را از سر مظلوم ستم‌دیده کوتاه می‌کنم و چنگ در حلقه بینی ستمگر می‌افکنم و هر چند که به حق، میلی نداشته باشد و او را کشان کشان به آب‌شخور عدالت می‌برم (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۳۲).

بنابراین برای داشتن یک جامعه مطلوب و متعالی، داشتن انگیزه بسط و گسترش عدالت برای کسب قدرت و کشورداری بسیار مهم است و دولتی اسلامی است که بر آمده از تعالیم دینی باشد و با اهدافی همچون؛ بسط عدالت، استقلال و آزادی، تعالی انسان و اجتماع، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، برابری انسان‌ها، رضایت و مشارکت مردم، وابستگی و رعایت حقوق متقابل حکومت و مردم تأسیس شده و از راه‌هایی همچون؛ ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ملهم از آموزه‌های اصیل اسلامی (شایسته‌سالاری، حکمرانی مطلوب)، مبارزه با فساد و پیشگیری از تمرکز و انحصار ثروت و قدرت، و به طور کلی تمهید لازم برای تعبد و بندگی خداوند و راهبری فرد و جامعه به سمت تعالی و پیشرفت معنوی و مادی که در منابع دینی مشخص شده است اهداف و آرمان‌های خود را پیگیری می‌نماید (محرمی: ۱۳۹۴، ۳۳).

۱- یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء الله ولو علی انفسکم والوالدین والاقربین (سوره نساء / آیه ۱۳۵)

۲- و لا تزرکونوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من الله من اولیاء ثم لا تنصرون (سوره هود / آیه ۱۱۳)

۳- واضیر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداه والعشی یریدون وجهه ولا تغد عیناک عنهم ثرید زینة الحیاة الدنیا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا واتبع هواه وكان امره فرطاً (سوره کهف / آیه ۲۸)

۴- فاضیر لکم ربک و لا تطع منهم ائماً او کفوراً (سوره انسان / آیه ۲۴)

۵- امام خمینی (ره) در کتاب «البیع» خود، نداشتن این صفات را برای حاکم اسلامی معادل عدالت دانسته است و بسیاری از فقها ویژگی عدالت را برای حاکم اسلامی، همان عدالت امام جماعت و قاضی می‌دانند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

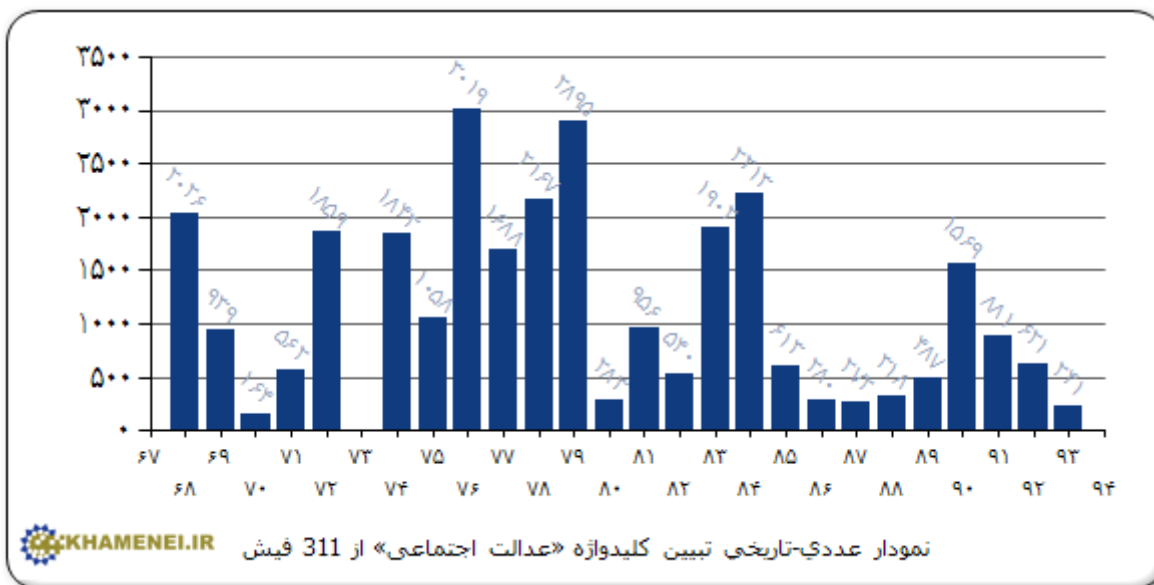
ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی

پس از مفهوم‌شناسی برای شناسایی عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی، نیازمند واکاوی عناصر بنیادین آن در نظریه‌های رهبران، اسناد بالادستی و حقوق‌اساسی این کشور هستیم. انقلاب اسلامی با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به پیروزی رسید اما با وجود غلبه گفتمان عدالت در اندیشه شیعه و بنیادین بودن این مفهوم در انقلاب سال ۱۳۵۷ که با وصف اسلامی خوانده می‌شود، جامعه ایرانی مرجع‌های مختلفی از عدالت را که متأثر از اندیشه اسلامی و نظریات توسعه لیبرال سرمایه داری، و ... ادراک و برداشت‌های متفاوتی بود در دولت‌های مستقر پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تجربه کرد و نبود اتفاق نظر در فهم و چگونگی اجرای عدالت، جامعه با فقدان یک پارادایم غالب در خصوص «عدالت» مواجه شد که اغتشاش در اجراء هم نتیجه قهری آن بود.

عدالت از اهداف عالی انقلاب اسلامی و همواره خواست ملت بوده است لذا این آشفتگی دلیلی بر نادرست بودن دغدغه رهبران انقلاب اسلامی برای تحقق عدالت نیست. امام خمینی (ره) تأسیس نظام عادلانه را لازمه اجرا احکام خدا می‌دانست (امام خمینی: ۱۳۷۰، ج ۶، ۷۷) و در اینباره می‌گوید؛ ما می‌خواهیم عدالت اسلامی در این مملکت برقرار کنیم... اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد، اسلامی که در آن شخص اولش با فرد آخر در مقابل قانون علی السویه باشند. در اسلام چیزی که حکومت می‌کند، یک چیز است و آن قانون الهی است... قانون حکومت می‌کند... قانونی که از روی عدالت الهی پیدا شده است. قانونی است که قرآن است. قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) است (امام خمینی: ۱۳۷۰، ج ۹، ۴۲). امام خمینی (ره) در جای دیگر، هدف جمهوری اسلامی را استقرار عدل اسلامی معرفی می‌کند و معتقد است با عدل اسلامی همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود. بنابراین شکی نیست که عدالت خواهی یکی از خواسته‌های اصلی مردم در کنار زدن حکومت پهلوی و تحقق انقلاب اسلامی ایران بوده است و به استناد اصول متعدد از قانون اساسی جمهوری اسلامی رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی از اهداف اساسی نظام تازه تأسیس برآمده از انقلاب اسلامی است (خواججه سروی: ۱۳۸۷، ۸-۶).

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، نیز بر مبنایی بودن عدالت در همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی نظام اسلامی تاکید می‌کند (خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۳/۱۳) و دو شرط وجودی «عقلانیت و معنویت» را بدور از شائبه‌های سیاسی و شکلی لارمه تحقق عدالت می‌داند (خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۶/۱۶) به نظر رهبری انقلاب؛ هر عرصه از عرصه‌های حیات جمعی اقتضانات خاص خود را دارد و برای تحقق عدالت در آن عرصه شاخص‌ها و معیارهای ویژه آن عرصه باید تعریف شود... و نظریه‌پردازی و مفهوم‌سازی‌های مرسوم برای تحقق عدالت کفایت نمی‌کند و لازم است در ساحت‌های مختلف جامعه از اقتصاد و قانون‌گذاری و نظام قضا گرفته تا نظام آموزشی و بهداشت شاخص‌ها و معیارهای عدالت تفکیک‌شده تعیین شود تا در برنامه‌ریزی عدالت‌محور و انجام فعالیت‌های اجرایی برای تحقق عدالت در آن حوزه‌ها معیاری برای داوری وجود داشته باشد و بتوان تشخیص داد که آیا این فعالیت‌ها منتهی به استقرار شده است یا خیر (واعظی: ۱۳۹۰/۰۴/۰۶). «عدالت چه جوری تأمین می‌شود؟ یعنی واقعاً یک مقیاس لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های فرهنگی، بخش‌های آموزشی و پرورشی یا آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین می‌شود این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم در مقام عمل و در مقام اجرا به آن عدالت مورد نظر برسیم». آیت‌الله خامنه‌ای در دوره مسئولیت رهبری طبق جدول بطور مکرر به ضرورت و اهمیت مسئله عدالت پرداختند؛





ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با وجود تاکیدات متعدد و تصریح رهبر انقلاب اسلامی بر لزوم توجه به شاخص‌ها و معیارهای عدالت، پس از گذشت قریب به ده سال بر ناموفق بودن و عقب‌ماندگی جمهوری اسلامی در این زمینه اذعان می‌کند و می‌گوید: «باید اذعان کنیم که در دهه پیشرفت و عدالت، نمره مطلوبی درباب عدالت به دست نیاورده‌ایم.» (خامنه‌ای: ۱۳۹۹) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در بیانیه خود که با عنوان گام‌دوم انقلاب منتشر کردند، نارضایتی خود را از کارکرد عدالت در کشور به معنای کار نکردن برای استقرار عدالت نمی‌داند و واقعیت را اینگونه بر می‌شمرد که: «دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست» (خامنه‌ای: ۱۳۹۷). اما برغم بیانات متعددی رهبری انقلاب اسلامی بر تحقق عدالت، زمینه‌ها و شروط و الزامات آن، سنجش و ارزشیابی میزان موفقیت دولت‌های پس از انقلاب اسلامی برای تحقق عدالت در جامعه، موضوع بحث این مقاله نیست، و تبیین آن مجال تفصیلی دیگری را می‌طلبد. لذا به نظر مهم‌تر از ارزیابی، مشخص نبودن شاخص‌ها و معیارهای ملموس در سیاست‌های جمهوری اسلامی برای گستراندن عدالت در جهت ارتقاء کیفیت زندگی افراد جامعه است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انقلاب اسلامی و فعالیت فرهنگی قبل از آنکه به فعالیت‌های فرهنگی با هدف گسترش عدالت، رتقاء کیفیت زندگی و انقلاب اسلامی بپردازیم، لازم است مقصودمان را از فعالیت فرهنگی بیان کنیم. فرهنگ مفهومی پیچیده و چند بعدی است که دشواری تعریف کم و کیف آن دست کمی از مفاهیمی همچون عدالت ندارد به ویژه هنگامیکه با انقلاب اسلامی در ارتباط قرار می‌گیرد این امر سخت‌تر می‌شود. فرهنگ به معنای مجموعه باورها و ارزش‌های پذیرفته شده اساس رفتار فرد و جامعه را شکل می‌دهد و بسیاری از اعمال و فعالیت‌های افراد بیش از آنکه بر پایه حسابگری و استدلال صورت پذیرد، براساس باورهای فرهنگی انجام می‌پذیرد (عظیمی آرانی: ۱۳۸۷، ۱۸۲). در یک چارچوب مردم شناختی یا جامعه شناختی، مفهوم فراگیر فرهنگ که مجموعه نگرش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، عرف‌ها، ارزش‌هاست، اعمال و رفتار انسان را در بر می‌گیرد و در هر گروهی مشترک است (تراسبی: ۱۳۸۹، ۲۲). با پذیرش این تفاوت‌های متمایز کننده گروه‌ها که باورهای فرهنگی را شکل می‌دهند، تعریف فرهنگ؛ مجموعه‌هایی از عقاید و باورها، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری، آثار و نمادها است که ادراکات و مناسبات افراد در جامعه را شکل می‌دهد. لذا با این مقدمه به هر فعالیتی که معنایی ذهنی را در قالبی نمادین و با هدف روشنگری و پرورش روح مخاطب ارائه کند، فعالیت فرهنگی گفته می‌شود. در ابتدا این فعالیت ذهنی و درونی است و در جهت انتقال پیام و معنا به دیگری انجام می‌شود و در قالب‌های نمادین مانند هنر، ادبیات، زبان و ... ارائه می‌گردد. هدف آن صرفاً تأمین یک نیاز جسمی و مادی نیست بلکه پرورش روح است. البته می‌توان ویژگی‌هایی مانند خلاقانه بودن، عقلانی بودن، ارزشمند بودن را در مورد «معنا» لحاظ کرد که به دلیل بیش از حد محدود کردن فعالیت‌های فرهنگی به موارد خاص، از آن صرف‌نظر می‌شود. این تعریف، تمامی هنرها را در تعریف سنتی خود (نقاشی، موسیقی، شعر و ...) در بر می‌گیرد. علاوه بر آن فعالیت‌هایی مانند برگزاری جشنواره‌ها، روزنامه‌نگاری، تلویزیون و ... را نیز شامل می‌شود (صالحی امیری و عظیمی: ۱۳۸۷، ۲۱). محصولات فرهنگی هم در ارتباط با فعالیت‌های فرهنگی ابزارهای مساعدت کننده هستند که خودش؛ حامل افکار، نمادها و راه‌های زندگی است، و اطلاع‌رسان، سرگرم‌کننده، کمک‌کننده به ساخت هویت مشترک و تأثیرگذار بر تجربه فرهنگی و حاصل خلاقیت فردی یا جمعی است (UNESCO: 2005,84) که برای نیازهای فرهنگی تولید و ایجاد، می‌شود (رشیدیپور: ۱۳۸۸، ۵۸) و برای غنی‌سازی حیات روحانی پالایش روح به کار می‌رود (حسینی‌پور سی‌سخت و کیاسی: ۱۳۹۲، ۴۸). همچنین باعث ارتقاء سطح دانش فرد و آگاهی‌های خانواده‌ها شود (نقیب‌السادات: ۱۳۸۸، ۱۴). بنابراین به اجمال فعالیت‌های فرهنگی، مجموعه اقداماتی است مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های جامعه که در قالب عناصر و اجزایی همانند ملیت، قومیت، زبان، دین و مذهب، نژاد، جنسیت، آداب و رسوم و مفاهیم و تعابیر رایج، نمود می‌یابد (باقری: ۱۳۹۴، ۷۴۰) و در قالب «هنر» ماندگار می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

علاوه بر آنچه گفته شد امروزه فعالیت‌های فرهنگی تحت تأثیر قدرت سیاسی یا حکومت است. به عبارت دیگر «گذشته از حرکت طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی بخش وسیعی از تلاشها و فعالیت‌های فرهنگی بر اساس برنامه ریزی‌ها و سیاست گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن «دولت» صورت می‌گیرد (وحید: ۱۳۸۲، ۱۵۲) دولت‌ها هم به لحاظ تبلیغ آرمانها و هدفهای ایدئولوژی رسمی و هم به لحاظ ضرورت دست یافتن به هدفها و مقاصد سیاسی خویش و هم بنابه کارکردهای جدیدی که پیدا کرده‌اند و برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی را بر عهده گرفته و نقش و مسئولیتی آگاهانه می‌پذیرند (همایون و فروزان: ۱۳۸۸، ۶۴). هدف از فعالیت‌های فرهنگی شناساندن هویت، تاریخ و میراث اجتماعی است که از نسل‌های گذشته تا امروز تداوم یافته است یا در حال حاضر متناسب با مقتضای زمان و مکان به ارزش یا باور اجتماعی تبدیل شده است و یا حاکمیت درصدد جا انداختن ایده خود به عنوان میراث حقیقی جامعه است. همان سیاستی که در دوره پهلوی دوم دنباله اصلاحات آمرانه‌ایی که از زمان رضاشاه با کنار گذاشتن پایه دینی هویت ایرانی شروع شده بود با شدت بیشتر ادامه یافت. رژیم پهلوی دوم پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت قانونی مصدق با طرح‌ریزی عوامل خارجی به سرکوب تشکلهای فرهنگی - اجتماعی منتقد پرداخت و به زعم اینکه به نوسازی اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد صرفاً جوانب اثبات‌گرایانه و ابزاری تمدن مدرن را مورد توجه قرار داد (وحدت: ۱۳۸۲، ۱۳) و بدون اینکه بهایی برای مردم در فعالیت‌های فرهنگی قائل شود، نوسازی جامعه ایرانی را اجباری و از بالا به پائین پیگیری می‌کرد (جهانبگلو: ۱۳۸۰، ۲۲).

قبل از انقلاب اسلامی محمدرضا شاه فعالیت‌های فرهنگی را برای تحکیم پایه‌های سلطنت خود می‌خواست و به واسطه روشنفکران وابسته که توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی را در گرو تجدد و حذف سنت‌ها و غربی شدن به تمام معنا می‌دانستند، به ترویج فرهنگ غربی و باستان‌گرایی می‌پرداخت. او با فعالیت‌های فرهنگی مبلغ باورها و مروج آرمان‌های باستانی ایرانیان، می‌خواست به حکومت شاهی خود مشروعیت ببخشد و موانع بسط و توسعه حاکمیتش را که به واسطه سنت‌گرایان و مذهبیبون جامعه ایجاد و تهدید می‌شد، از میان بردارد (محرمی: ۱۳۸۳، ۹۳-۹۲). در این دوران، ایران باستان با شدت و حدت، و غربی شدن با قوت هر چه تمام‌تر، پایه‌های هویت برساخته دولت پهلوی در فرهنگ ایرانیان را تشکیل می‌دادند. ایران باستان به مثابه بستر و به لحاظ فناوری و دانش‌ورزی، غرب به منزله تمدن غالب در فعالیت‌های فرهنگی جامعه تلقی می‌شد در حالیکه دین اسلام به عنوان عنصر هویتی مهم مردم ایران از حداقل بهره در آثار و تولیدات فرهنگی برخوردار بود و در حداکثر انزوای فرهنگی قرار داشت؛ مسیری که همه دستگاه‌های فرهنگی و هویت‌ساز رژیم و نظام پهلوی دوم پیش گرفته بودند و توسعه فعالیت‌های فرهنگی مبتنی بر واقعیت‌های جامعه ایرانی را در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های خود کنار گذاشته بودند (بهنام: ۱۳۸، ۱۳۹۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به این ترتیب، باستان‌گرایان در کل و مخصوصاً در دوران پهلوی در نظر داشتند با تکیه بر فرهنگ و آداب و رسوم ملی و باستانی و تلاش در جهت احیا آنها، فرهنگ مذهبی و اسلامی مردم را کنار بزنند. اما افراط در ایجاد تقابل بین فرهنگ ملی و اسلامی، و تضعیف آن به بهانه «عرب‌زدگی» به واسطه شیفتگی به فرهنگ و تمدن اروپایی، باستان‌گرایی به ورطه «عرب‌زدگی» افتاد و به علت تناقضاتی که در افکار و اعمال باستان‌گرایان درباره فرهنگ ملی و غربی وجود داشت، افکار و کردارشان نه تنها باعث خلوص و ناب شدن فرهنگ نشد، بلکه باعث بیگانگی هر چه بیشتر با فرهنگ خویش به واسطه طرد بخش عمده آن (فرهنگ مذهبی و سنتی) و گرایش هر چه بیشتر به فرهنگ غرب شد (محرمی: ۱۳۸۳، ۷۳). نادیده گرفتن تمامیت هویت ایرانیان و توانایی‌ها و استعدادهای آنها، انسداد فرهنگی و سیاسی را نصیب جامعه ایران در دوران پهلوی دوم کرد، و نتیجه آن شد که بجای بسط و گسترش عدالت، افزایش محرومیت و نابرابری‌ها، منجر به انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۵۷ گردید. از آنجاکه انقلاب اسلامی ماهیت فرهنگی داشت برای مطالعه آن، نیازمند واکاوی و شناخت عناصر بنیادین فرهنگی آن در نظریات رهبران، اسناد بالادستی و حقوق‌اساسی جمهوری اسلامی هستیم. فعالیت‌های فرهنگی هم پس از انقلاب متأثر از هویت اسلامی- ایرانی و بنیانهای رایج دینی و فرهنگی است و جمهوری اسلامی بعنوان نظام برآمده از انقلاب مجری آن بوده است که به خواست ملت ایران با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در فروردین ۱۲ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ تأسیس گردید. طبق قانون‌اساسی، جمهوری اسلامی نظامی؛ توحیدمحور و مبتنی بر مبانی معرفتی مکتب الهی اسلام می‌باشد و علاوه بر شاخصه‌های کمی این واحد سیاسی، اسلامی بودن جمهوری مردم مسلمان ایران، از ویژگی‌های مهم آنست. لذا برای فهم ابعاد فعالیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران که ترکیبی از دو حوزه هویتی ایرانی- اسلامی است، نیازمند مطالعه مفاهیم و نظریاتی هستیم که در ارتباط با مسائلی همچون هویت ملی و اسلام می‌باشد و عموماً در سطحی کلان قرار می‌گیرد در همین ارتباط آیت‌الله خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی، بازگشت به «هویت اسلامی- انسانی» و تحقق «عدالت» را مهم‌ترین راهکار حفظ تداوم آرمان‌ها و بقای انقلاب اسلامی می‌داند (صحیفه نور، ج ۹، ۱۴۵ و محرمی: ۱۳۸۳، ۸۶) و مرتضی مطهری برای انقلاب ۱۳۵۷ ملت ایران هویتی اسلامی و دینی قائل است و رمز بقاء و تداوم انقلاب را هم در سه رکن اصلی تحقق عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی و معنویت اسلامی می‌داند (مطهری: ۱۳۷۲، ۵۹)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تحلیل یافته‌ها

الف. زوال پذیری جامعه بدون تحقق عدالت

اشاره شد که موضوع عدالت می‌تواند با استناد به نظریه‌ها و رویکردهای مختلف، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد؛ اما آنچه که مهم است، بکارگیری نظریه در شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص یک جامعه است و تأثیرپذیری مسأله کیفیت زندگی از زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مبانی نظری متفاوتی را از زوایای مختلف می‌طلبد. از آنجائیکه موضوع عدالت و کیفیت زندگی مسأله پیچیده و چندوجهی است، نظریه واحدی امکان تبیین زوایای مختلف آن را ندارد؛ برای پیش‌بینی متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت زندگی، نظریه‌های گوناگونی از جمله "عدالت در اسلام" که در تعالیم و دستورات دینی درباره بهبود ارتباط با خدا، طبیعت و افراد جامعه با هم، قابل شناسایی می‌باشد. با بررسی و مطالعه نظرات مذکور، ملاحظه می‌شود که به دلیل سنخیت با جامعه ایرانی و گستردگی آن، دیگر بخش‌های زندگی را تحت پوشش قرار می‌دهد. از نظر اسلام کمال انسانی و سعادت آدمی در روابط انسان با خود و هم با غیر خود در برقراری روابط مبتنی بر عبودیت و عدالت است. هدف و غایتی که اصل اسلام به دنبال آن است و اگر چنین نباشد بنیان امور از هم گسسته می‌شود و باقی نمی‌ماند حتی ملک و حکومت ممکن است که بدون دین باقی بماند ولی با ظلم باقی نمی‌ماند (مازندرانی: ج ۹، ۳۸۳) بنظر مطهری اگر جامعه‌ای عادل و متعادل باشد، هر چند مردمش کافر باشند، آن جامعه قابل بقاست، ولی اگر ظلم و اجحاف در جامعه‌ای پیدا شود، آن جامعه باقی نمی‌ماند هر چند مردمش به حسب عقیده مسلمان باشند (مطهری، ج ۲۳، ۷۳۳ و ج ۱۵، ۷۴۳ و ج ۲۶، ۳۰۳).

لازم به این نکته مهم توجه شود که با توسعه و گسترش ابعاد مختلف زندگی بشری، مفاهیم نیز به لحاظ معنایی و مصداقی توسعه پیدا کرده‌اند و دایره شمول آنها افزایش یافته است و مفهوم عدالت هم متأثر از زمان و مکان، تحول مفهومی و مصداقی داشته و در گذر زمان، بر پیچیدگی‌هایش افزوده شده است. در گذشته عدالت محدود به برابری محض بود. اما امروزه به جنبه‌های انسانی‌تر و منصفانه‌تر عدالت بیشتر توجه می‌شود. آنچه در تعریف امروزی عدالت به چشم می‌خورد، تعریف جامع و گسترده‌تر آن با تأکید بر نقش نهادهای اجتماعی در بازتوزیع ثروت و فرصت است. با این تعاریف، دیگر، مصادیق ظلم محدود به شلاق زدن و تعرض به جان، مال و ناموس یک فرد و انسان‌ها نمی‌شود، بلکه مواردی همچون مدیریت ناصحیح ترافیک، یا تأخیر پروازهای هواپیماها، دادن آمار و اطلاعات نادرست و به خطا رفتن امور در جامعه، و ... که اتلاف عمر و سرمایه انسانی را در پی دارند و انسان را از طی کردن و ایفای نقش در مسیر عادی زندگی باز می‌دارند، در دایره تعریف جدید از عدالت جای می‌گیرند. بنابراین چنانچه انجام فعل و یا ترک فعلی از رشد و تعالی و رسیدن به نهایت استعدادهای خدادادی انسانی در مجموع دنیا و آخرت ممانعت بعمل می‌آورند، از مصادیق ظلم محسوب شود و دور از عدالت می‌باشند. در مقابل نیز تولید و اجراء هدفمند آثار، محصولات و فعالیت‌های فرهنگی عدالت‌محور، می‌تواند باعث رشد و تعالی انسان‌ها و ارتقاء کیفیت زندگی افراد در جامعه شود.

ب. چالش سیاستگذاری در فعالیتهای فرهنگی

برغم توجه نسبی سیاستگذاران بعد از انقلاب اسلامی، بر بازگشت به هویت ایرانی- اسلامی، در سالهای اخیر چالش سیاستگذاری و مدیریت واحد و منسجم فرهنگی در کشور، به همراه سایه سنگین سیاست بر عرصه مدیریت فرهنگی کار را به جایی رسانده است، که با تغییر هر دولتی عملاً سیاستهای فرهنگی کشور نیز با بی‌عملی، آشفتگی در نظر و اختلال در عمل مواجه شده است. یکی از دلایل عمده‌اش این است که درباره سیاستگذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ اولی معتقد است، دولت نباید در امور مربوط به فرهنگ دخالت کند و فقط باید به مدیریت و ساماندهی آن بپردازد و گروه دیگری براین باورند که؛ دولت باید برای تبیین، بسط و گسترش ایدئولوژی حاکمیت، در تولید آثار، محصولات و فعالیتهای فرهنگی مداخله نماید. این دیدگاهها را می‌توان به قائلین به سیاست پذیر بودن فرهنگ و معتقدین به سیاست ناپذیر بودن فرهنگ دسته بندی کرد که خلاصه آن در جدول ذیل آمده است (فرخی و نادری نژاد: ۱۳۹۸، ۱۲۰):

شاخص‌ها دیدگاه‌ها	تعریف فرهنگ	بازیگر اصلی سیاستگذاری فرهنگی	حیطه دخالت بازیگر اصلی در سیاستگذاری فرهنگی
دیدگاه دولتی	تعریف کلان از فرهنگ	دولت	دولت برای ایجاد نظم یا رضایت در مردم و در راستای اهداف ایدئولوژیکی خود از ابزار فرهنگ استفاده می‌کند.
دیدگاه بازار	تعریف خرد از فرهنگ	بازار	بازار به عنوان بستری است که با تعریف قواعد و رویهها، ارزشهای فرهنگی را مشخص می‌کند. دولت در این نگاه خود نیز به عنوان بازیگری هم سطح با بازیگران دیگر در بازار تعریف می‌شود.
دیدگاه ارتباطی	تعریف کلان از فرهنگ	حوزه عمومی	در این دیدگاه این مردم هستند که با تشکیل فضاهای عمومی به تبادل نظر و ایده با هم می‌پردازند و نوع سیاست فرهنگی و نیز ارزشهارا مشخص می‌کنند. در این دیدگاه دولت تنها به عنوان بازیگر هم سطح حوزه عمومی است که می‌تواند تنها دیدگاه خود را مطرح کند

(دیدگاههای نظری درباره سیاست پذیری یا سیاست ناپذیری فرهنگ)

برای رفع این مشکل سیاستگذاران فرهنگی جمهوری اسلامی با تهیه و تدوین نقشه مهندسی فرهنگی تلاش نموده‌اند ارزشها و اصول ایرانی- اسلامی را به تفصیل تبیین نمایند. ارزشها در پنج حوزه تعقل، ایمان، اخلاق، علم و عمل تعریف شده است و اصول نیز شامل اصل دین‌مداری، اصل عدالت، اصل هدایت و راهبری، اصل تعاون و مشارکت مردمی، اصل آینده‌نگری و آینده‌نگاری، اصل جامعیت، اصل انسجام و هماهنگی، اصل تعامل مؤثر، اصل تدریج، اصل کارآمدی، اصل خلاقیت و نوآوری، اصل تأمین منابع و هدایت سرمایه‌ها، اصل اعتدال و عقلانیت است. هر یک از این ارزشها و اصول، خود شامل ارزشها و اصول جزئی تری نیز است (سامانه مهندسی فرهنگی، <http://mf.farhangoelm.ir>). فرهنگ ایرانی- اسلامی نیز بخشی از این هویت است که مستقیماً با فرایند تولید محصولات و خدمات فرهنگی در ارتباط است. ولی اینکه چقدر این اقدامات به بسط و گسترش عدالت در جامعه کمک کرده است مطلب قابل تاملی است که جای دیگر باید به تفصیل بدان پرداخته شود و مورد سنجش قرار بگیرد.

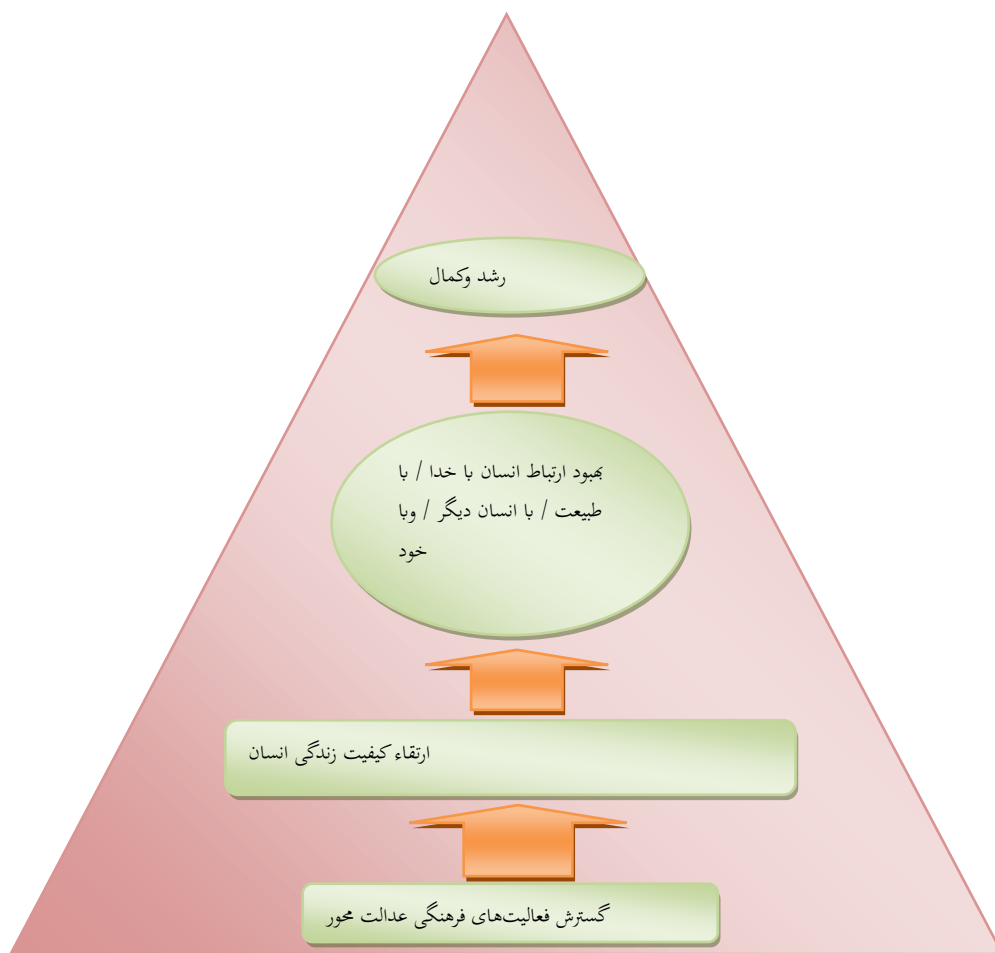


ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ج. فقدان مفهوم پردازی درباره کیفیت زندگی

موضوع کیفیت زندگی به عنوان یکی از شاخصه‌های پیشران ارتقایی جامعه، که در دهه‌های اخیر مطرح بوده، نیاز به بررسی و تطبیق با ساختار و مفاهیم اجتماعی بومی دارد و نپرداختن به آنچه را که امروزه به عنوان تهدید کیفیت زندگی فرض می‌شود، به طور فزاینده‌ای بیشتر کرده است؛ به طوری که این عوامل تهدیدزاه به دلیل ساختار اجتماعی‌شان، موضوعات متعددی را شامل می‌شوند و این مسأله عموماً از حیثه افراد فراتر می‌رود و در ارتباط با فرهنگ عمومی و هویت جامعه قرار می‌گیرد و بررسی هدفمند و عدالت‌محور محصولات و فعالیت‌های فرهنگی برای جامعه بویژه جامعه دینی از آن جا راهگشاست، که عدالت در جایگاه مفهوم اصلی برای کیفیت زندگی جای گرفته و به عنوان ساز و کار ارتقایی برای آن در جامعه دینی مطرح است، و حرکت انسان هم نهایتاً در جهت کمال و رسیدن به آن، در جامعه‌ای عادلانه به دست می‌آید. لذا ترکیب و حرکت جامعه باید به صورتی باشد که انسان را از رسیدن به کمال باز ندارد و همانطور که افراد انسانی در حرکت رو به کمال هستند، جامعه نیز باید در سیر و حرکت رو به ارتقاء کیفیت و کمال قرار گیرد. با توجه به اینکه ارتباطات انسانی در جامعه، فقط بین فردی و فارغ از ارتباط انسان با خود، خدا و طبیعت نیست. فعالیت‌های فرهنگی در راستای بسط و گسترش عدالت در سطوح مختلف جامعه اعم از حکومت گران، حکومت شوندگان تولید و اجراء شوند، باعث بهبود ساخت اجتماعی و ارتباطات بین فردی و انسان با این حوزه‌ها نیز می‌شوند و در نهایت با ارتقاء روابط عادلانه، کیفیت زندگی افراد جامعه نیز در مسیر و حرکت رو به کمال و تعالی قرار می‌گیرند. پیش‌تر هم گفته شد؛ در محاسبات عینی، کیفیت زندگی افراد جامعه نیز در مسیر و حرکت رو به کمال و تعالی مشخصه اساسی فعالیت‌های انسان یعنی؛ کیفیت جمعیت، رفاه مادی، کیفیت نظام اجتماعی و کیفیت اکوسیستم و محیط زیست تعریف گردد. مدل تعالی‌گرای آن نیز به شکل ذیل قابل ترسیم است.





ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این تحقیق با توجه به تحلیل مستندات و رویکردهای فرهنگی مربوط به دوره تحقیق و فراتحلیل پژوهش‌های اندیشمندی که درباره عدالت و ارتقاء کیفیت زندگی انجام داده‌اند در پاسخ به سؤال مقاله، این نتیجه‌گیری حاصل شد که؛ با گسترش عدالت؛ کیفیت زندگی در جامعه ارتقاء یافته و رضایت‌مندی افزایش می‌یابد. از سویی دیگر با اشاعه تبعیض و محرومیت در جامعه غیر عادلانه، ارتباطات انسانی و اجتماعی مصلحانه، حمایت از کار شرافتمندانه، رشد آزاد، هویت و دانش، مشروعیت، وحدت ملی و ... به مخاطره می‌افتد. همچنین بنظر با توجه به کارکردها و چارچوب‌های حاکم بر فرایند ارتقایی کیفیت زندگی، با فعالیت‌های فرهنگی عدالت‌محور، احساس رضایت افراد در جامعه افزایش یافته و کیفیت زندگی، جلوه و عینیت بیشتری می‌یابد. اما برغم اینکه عدالت از عناصر اصلی گفتمان انقلاب اسلامی بوده است و کمک‌هایی که دولتهای پس از جنگ به توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی کرده‌اند همچنان ناکامی‌های زیادی درباره بسط و گسترش عدالت در ایران وجود دارد. از طرفی با توسعه و گسترش ابعاد مختلف زندگی بشری، مفاهیم نیز به لحاظ معنایی و مصداقی توسعه پیدا کرده‌اند و با مسائل جدید و متعدد زندگی بشر امروزی، دایره شمول آنها نیز افزایش یافته است و هر نقصانی در زندگی انسان که موجب اتلاف عمر و سرمایه انسانی شود و انسان را در مسیر کمال بازدارد از مصادیق ظلم بوده و دور از عدالت است. در مقابل بسترسازی مناسب فرهنگی و استقرار مدیریت صحیح در بخش‌های مختلف جامعه برای شکوفایی استعداد‌های انسانی و الهی افراد جامعه می‌تواند در راستای عدالت تعریف و ارتقاء کیفیت زندگی ارزیابی گردد. در مجموع نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند به شرح ذیل باشد:

بسط و توسعه معنا و مفهوم عدالت نیازمند فعالیت‌های فرهنگی هدفمند است.

ارتقاء کیفیت زندگی با گسترش و توسعه عدالت در جامعه ممکن خواهد بود.

فعالیت‌های فرهنگی با هدف فهم بیشتر مفهوم عدالت در جامعه، جریان‌های عدالت خواه را برای رفع محرومیت‌ها توسعه و گسترش می‌دهد، و خیرعمومی افزایش یافته و کیفیت زندگی ارتقاء می‌یابد.

تهدیدات و ضعف‌های ناشی از عدم بسط و گسترش عدالت و ارتقاء نیافتن کیفیت زندگی، می‌تواند با فعالیت‌های فرهنگی هدفمند کنترل شود و یا با حرکت به سمت کاهش و یا امحای آنها و به معنای موسع، عوامل قوت و فرصت حفظ، و حرکت به سمت افزایش آنها، صورت پذیرد.

اگر فعالیت‌های فرهنگی هدفمند به گسترش عدالت نپردازد، جریان‌های فرصت طلب در جهت افزایش بی عدالتی‌ها در جامعه شکل می‌گیرند و مشروع جلوه می‌کنند.

اینکه اساساً انقلاب اسلامی، انقلاب مطالبه عدالت بوده است، فقدان رویکرد راهبردی عدالت گستر در فعالیت‌های فرهنگی برای ارتقاء کیفیت زندگی، اهداف و گفتمان انقلاب اسلامی را به مخاطره می‌اندازد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

البته باید به این نکته توجه کرد که الگوهای فرهنگی برای ارتقاء کیفیت زندگی مبتنی بر عدالت و ارزش‌ها، اهداف و مقتضیات هر جامعه طراحی می‌شود و الگوی فرهنگی یکسان نمی‌تواند برای جوامع دیگر ایده‌آل باشد. لذا معیارها و شاخص‌های ارزیابی هر جامعه‌ای، خاص خود آن جامعه و کشور است و معیارهای دیگران نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در جمهوری اسلامی که نظامی برآمده از انقلاب اسلامی است؛ با وجود چالش سیاستگذاری در فعالیتهای فرهنگی و فقدان مفهوم پردازشی درباره عدالت ارتقاء دهنده کیفیت زندگی همچنان اصول، آرمان‌ها، ارزش‌های دینی و ملی، منابع قابل اتکاء می‌باشند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اترک، حسین (۱۳۹۲)، «معانی عدالت در اخلاق اسلامی»، فصلنامه نقد و نظر ۱۸.
۳. باسحا، مهدی، عاقلی کهنه‌شهری، لطفعلی و مسائلی، ارشک (۱۳۸۹)، «تبه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی در استان‌های کشور»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۷.
۴. باقری، محمدرضا (۱۳۹۴)، الزامات طراحی نظام ارتقای کیفیت فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی، مجموعه مقالات سومین همایش ارتقای آثار محصولات و فعالیتهای فرهنگی، تهران: موسسه نشر شهر
۵. بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: نشر فرزانه
۶. تراسی، د (۱۳۸۹)، اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی. تهران: نشر نی.
۷. توسلی‌رکن‌آبادی، مجید و شجاعیان، محمد (۱۳۹۲)، «نظریه عدالت سندل و چند فرهنگ‌گرایی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ش ۲۲
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸) ت، «اسلام و روابط بین‌الملل»، محقق محمدحسین الهی‌زاده، قم: انتشارات اسراء
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹) الف، «انتظار بشر از دین»، محقق مصطفی پور، قم: انتشارات اسراء
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹) پ، «دنیاشناسی و دنیاجویی در نهج‌البلاغه»، محقق عباس رحیمیان، قم: انتشارات اسراء
۱۱. جهانگللو، رامین (۱۳۸۰)، ایران و مدرنیته، تهران: نشر گفتار
۱۲. حسینی پور سی‌سخت، نیکنام و کیاسی، سهیلا (۱۳۹۲)، صنایع فرهنگی، صنایع خلاق، تهران: انتشارات فرهنگ مانا
۱۳. خامنه‌ای، علی (۱۳۷۰)، «پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)»، ۱۳۷۰/۳/۱۳، khamenei.ir
۱۴. خامنه‌ای، علی (۱۳۸۸)، «بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت»، ۱۳۸۸/۳/۸، khamenei.ir
۱۵. خامنه‌ای، علی (۱۳۸۸)، «بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت»، ۱۳۸۸/۶/۱۶، khamenei.ir
۱۶. خامنه‌ای، علی (۱۳۸۹)، «بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت»، ۱۳۸۹/۶/۸.
۱۷. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۶)، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، دانش سیاسی، سال سوم، شماره دوم، صص ۵-۳۵
۱۸. رشیدپور، علی (۱۳۸۸)، بررسی میزان مصرف کالاهای فرهنگی در بین دانش‌آموزان شاهد استان لرستان، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، شماره ۶
۱۹. شفیق‌آبادی، عبدالله؛ برجعلی، احمد؛ باقری، فریبرز؛ اسمعیلی، معصومه و نژادمحمد نامقی، عاطفه (۱۳۹۳)، «ساختار و الگوی کیفیت زندگی اسلامی مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۲۲
۲۰. صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی، امیر (۱۳۸۷)، مبانی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی
۲۱. صحیفه امام خمینی (ره)، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۶/۶.
۲۲. صفرپناهی، محمد حسین، (۱۳۸۵)، «اثر انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های تبیینی وقوع انقلابات»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره بیست و یکم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲۳. عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۷)، «مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران»، تهران نشر نی
۲۴. غفاری، غلامرضا، کریمی، علیرضا و نوذری، حمزه (۱۳۹۱)، «روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، شماره ۳.
۲۵. فرخی، میثم، نادری نژاد، مهدی (۱۳۹۸)، «تحولات سیاستگذاری فرهنگی شبکه‌های اجتماعی مجازی در جمهوری اسلامی ایران: مورد مطالعه تحلیل اسناد بالادستی ۱۳۷۰»، تهران، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، زمستانش ۴۸.
۲۶. فیض‌الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۷۹)، «ترجمه و شرح نهج البلاغه»، تهران: موسسه چاپ و نشر تألیفات فیض‌الاسلام.
۲۷. قاسمی، اکرم و نوری، زهرا (۱۳۹۵)، «ارزیابی کیفیت زندگی در شهرهای جدید با استفاده از سنجش کیفیت ذهنی»، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۲۵.
۲۸. مازندرانی، ملأ محمدصالح، شرح اصول کافی، ج ۹.
۲۹. محرمی، توحید (۱۳۸۳)، «هویت ایرانی اسلامی ما»، مندرج در مجموعه: «هویت در ایران»، با اهتمام: علی‌اکبر، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۰. محرمی، توحید (۱۳۹۴)، «نظارت بر قدرت سیاسی در اسلام»، تهران، انتشارات تقریر.
۳۱. محرمی، توحید (۱۳۹۵)، «عراق جدید و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳۲. محرمی، توحید (۱۳۹۸)، «مطالعه ابعاد امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳۳. محرمی، توحید (۱۳۹۷)، «آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان.
۳۴. محمدپور، سمانه و بدرالدین اورعی یزدانی، ۱۳۹۴، «عدالت اجتماعی در مدیریت اسلامی (با تکیه براندیشه امیر المومنین (ع))»، دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، تهران، موسسه سفیران فرهنگی مبین.
۳۵. مختاری، مرضیه و نظری، جواد، ۱۳۸۹، «جامعه‌شناسی کیفیت زندگی»، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، پیرامون انقلاب اسلامی ج ۹، تهران، انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۵۳)، «عدل الهی»، ج ۳، تهران، انتشارات صدرا.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، «سیری در سیره ائمه اطهار»، تهران، انتشارات صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۳، ج ۱۵ و ج ۲۶
۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۸)، «ترجمه ارشاد شیخ مفید»، قم: نشر سرور
۴۱. ملکوتیان و دیگران، (۱۳۸۸)، «تحلیل سازه انگارانه تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر آمریکای لاتین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، زمستان، شماره چهارم
۴۲. نجفی، زین‌العابدین، (۱۳۹۱)، «مفهوم‌شناسی واژه عدالت در فقه امامیه»، فصلنامه انسان‌پژوهی دینی، شماره ۲۸
۴۳. نقیب‌السادات، رضا، (۱۳۸۸)، اقتصاد فرهنگ و صنایع فرهنگی، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۶
۴۴. واعظی، احمد (۱۳۹۰)، بررسی «عدالت» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، khamenei.ir
۴۵. وحدت، فرزین (۱۳۸۲)، رویارویی فکری ایران با مدرنیت، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس
۴۶. وحید، مجید (۱۳۸۲)، «سیاستگذاری و فرهنگ در ایران امروز»، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
۴۷. همایون، محمدهادی و حامد فروزان (۱۳۸۸)، تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دو فصلنامه دین و ارتباطات، شماره: ۳۶ - ۳۵، ص: ۹۲ - ۶۳
48. CEMI (1997), The nall report on the system of statistical indicators of the quality of life of population, Decision Support and Forecasting Center, Moscow, CEMI
49. Economist Intelligence Unit (2005), Quality of Life Indexation
50. Lynda, L., Diana, E (2005), "A concept of quality of life", Journal of Orthopedic nursing, No 9
51. UNESCO (2005), International Flows of Selected Cultural Goods and Services, 1994-2003: Defining and capturing the flows of global cultural trade, UNESCO Institute for Statistics, Montral
52. Schuessler, K.F., Fisher, G.A (1985), "Quality of life research and sociology", Annual review of sociology, No 11



53. Schalock, R.L (2004), "The concept of quality of life: what we know and do not know", Journal of intellectual disability research, No 43
54. Schalock, R.L (1999), "Threedecades of quality of life", Focus on Autism and other development disabilities, No 15
55. WHO Qol Group (1993), Measuring Quality of life: The Development of the World Health Organization Quality of Life Instrument, Geneva: World Health Organization
56. Wood, D.S (1991), "Assessing quality of life in clinical research from where have we come and where are we going", Journal of clinical epidemiology, No 52.